

A Critical Study of *French Versification and Poetic Genres*

Hadi Dolatabadi*

Abstract

Criticism of books and authors' works is aimed at creating dynamics in the academic, literary, and academic circles and can, if neutral and constructive, lead to progress, dialogue between experts, and improved efficiency. In the field of academic books, this can also lead to deficiencies and complete writing of works. The Book of French Poetry by the Honorable Shahnaz Shahnaz and Mahvash Ghavimi, published by the University Academic Press, has been published in 2000 and has been reviewed and edited in 2004. Designed with an academic audience to teach undergraduate and postgraduate courses in French literature, the book has some drawbacks, despite its clear writing. The purpose of this paper is to examine the writing and presentation of this book's material and to address some of the shortcomings, mainly in the form of the arrangement of contents within the book's chapters, the citation system, and the examples presented from a formal point of view. The content commentary refers to the overemphasis on French poetic form and the lack of a comprehensive introduction of French poets and their influential works.

Keywords: Criticism, French Poetry, French Literature, Mahvash Ghavimi, Shahnaz Shahnaz.

* Assistant Professor of French Studies, University of Tehran, Tehran, Iran, hadi.dolatabadi@ut.ac.ir

Date received: 2020-04-21, Date of acceptance: 2020-09-11

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره هشتم، آبان ۱۳۹۹، ۶۰-۴۳

بررسی و نقد کتاب

Versification Française et Genres Poétiques

(انواع شعر فرانسه)

هادی دولت‌آبادی*

چکیده

کتاب *انواع شعر فرانسه*، اثر شهناز شاهین و مهوش قویمی، را سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسانده و در سال ۱۳۸۳ موردبازبینی و ویرایش قرار گرفته است. این کتاب که با مخاطب دانشگاهی و به‌منظور تدریس در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه طراحی شده است، باوجود برخورداری از نگارشی واضح و گویا، کاستی‌هایی نیز دارد. هدف این نوشته بررسی نگارش و نحوه ارائه مطالب این کتاب بوده است و در آن به برخی از کاستی‌ها اشاره می‌شود که عمدتاً به نوع ترتیب‌بندی مطالب در درون فصل‌های کتاب، نظام ارجاع‌دهی به آثار استفاده‌شده و مثال‌های ارائه‌شده از نقطه نظر ساختاری و محتوایی، به تأکید بیش از اندازه بر صورت شعری فرانسه، و عدم معرفی جامع شعرای فرانسوی و آثار تأثیرگذار آنان مربوط می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نقد، شعر فرانسه، ادبیات فرانسه، صورت، محتوا، مهوش قویمی، شهناز شاهین.

* استادیار مطالعات فرانسه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران، hadi.dolatabadi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۱

۱. مقدمه

نقد کتاب و آثار نویسندگان با هدف ایجاد پویایی در محافل علمی، ادبی، و دانشگاهی انجام می‌گیرد و در صورت بی‌طرفی و سازنده‌بودن می‌تواند به پیشرفت، انجام گفت‌وگو میان متخصصان، و بهبود کارآیی منجر شود. در حوزه کتاب دانشگاهی، این امر می‌تواند به رفع کاستی‌ها و نگارش آثار کامل‌تر نیز بینجامد. شعر فرانسه بخش مهمی از ادبیات غنی فرانسوی است که شناخت آن نه‌تنها برای دانشجویان ادبیات فرانسه از اهمیت بالایی برخوردار است، بلکه برای دیگر علاقه‌مندان به ادبیات به‌صورت عام و ادبیات فرانسه به‌صورت خاص نیز جذابیت بالایی دارد و مطالعه آن به درک غنای این ادبیات کمک می‌کند. از سویی، مطالعه آثار شعرای بزرگ و مشهور فرانسوی نظیر بوالو (Boileau)، هوگو (Hugo)، و لامارتین (La Martine) و شعرای مدرن‌تر مانند آراگون (Aragon)، الوار (Éluard)، آرتو (Artaud)، و پرهور (Prévert) زیبایی شعر فرانسه را آشکار می‌کند. در باب اهمیت شعر در ادبیات فرانسه همین بس که اولین آثار ادبی به زبان فرانسه به‌شکل شعری یافت می‌شوند. اثر *ترانه رولان* (Roland de Chanson) که به قرن دوازدهم بازمی‌گردد از مثال‌های این آثار است که از آن به‌عنوان یکی از طلعه‌های ادبیات فرانسه یاد می‌شود.

کتاب *Versification Française et Genres Poétiques* (انواع شعر فرانسه)، نوشته شهناز شاهین و مهوش قویمی، چاپ انتشارات سمت در سال ۱۳۷۹ کتابی درسی است که به‌گفته نویسندگان با هدف پاسخ به نیاز دانشجویان در دوره آموزشی کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه برای درس «انواع شعر فرانسه» و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد رشته ادبیات فرانسه برای درس «شعر قرن ۱۹» و «شعر قرن ۲۰» جهت تدریس در دانشگاه‌های کشور ارائه شده است. بدین ترتیب، این کتاب با تمرکز بر بخش مهمی از ادبیات فرانسه در راستای شناخت بهتر از شعر فرانسه در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد. باوجود آثار و کتاب‌های درسی درخصوص تاریخ ادبیات فرانسه که در آن‌ها به شعرای فرانسوی و آثار آن‌ها پرداخته می‌شود و باتوجه به اهمیت بررسی ویژه این بخش از ادبیات چنین کتابی نیز پیش‌بینی شده است که البته باید گفت این کتاب پاسخی به نیاز موجود به‌واسطه وجود درس شعر فرانسه به‌عنوان سرفصل درسی در برنامه دانشگاهی رشته زبان و ادبیات فرانسه است، همان‌طور که کتاب دانشگاهی *تئاتر در فرانسه* (France en Théâtre) در راستای وجود درس تئاتر در فرانسه منتشر شد.

درخصوص نقد یک اثر نباید فراموش کرد که هدف ایجاد پویایی در محیط علمی و نشر است و نگارش یک نقد که منصفانه و به‌دور از ملاحظات شخصی و جانب‌دارانه

باشد، قطعاً از سوی نویسندگان آثار مورد استقبال قرار خواهد گرفت و می‌تواند آن‌ها را به تلاش برای پاسخ به نقد در قالب نوشته یا انتشار ویرایشی جدید از اثر و حتی نگارش اثری به‌روزتر با مطالب جدید رهنمون کند. رونق چنین رویکردی در زمینه کتاب‌های درسی که دائماً با روش‌های نوین آموزشی در ارتباط‌اند نیز می‌تواند به پویایی علم در جامعه دانشگاهی، تلاش به‌منظور تقویت کارآمدی آثار، و افزایش بازده آن‌ها نزد دانشجویان که مخاطبان اصلی این آثارند منجر شود. نباید فراموش کرد که مؤلفان این کتاب از استادان دانشگاهی ادبیات فرانسه در ایران‌اند و در شخصیت علمی آنان تردیدی نیست. اما باتوجه به اهمیت مقوله نقد سازنده در راستای افزایش کیفیت آثار علمی، به‌خصوص زمانی که در مورد متون درسی‌ای که در اختیار دانشجویان دانشگاه‌ها قرار می‌گیرند باشد، نگارنده این سطور به بررسی این اثر روی آورده است. از سوی دیگر، باتوجه به این که این کتاب از حدود پانزده سال پیش مورد تجدیدنظر و ویرایش قرار نگرفته است، امید است نگاهی انتقادی به آن بتواند این مؤلفان یا دیگر استادان و پژوهش‌گران عرصه ادبیات فرانسه را به‌سوی ارائه اثری نو در این زمینه پراهمیت از ادبیات فرانسه سوق دهد.

برای پی‌بردن به اهمیت حوزه شعر در فرانسه، پیش از پرداختن به اثر مورد مطالعه در این نوشته، به نگاهی گذرا بر مکاتب و چهره‌های نام‌دار این عرصه از ادبیات فرانسه می‌پردازیم. جنبش‌های ادبی در فرانسه رفته‌رفته با دوره نوزایی (renaissance) آغاز می‌شوند. پس از دوره نوزایی در فرانسه رفته‌رفته با دوره نوزایی (La Pléiade)، تشکیل شده از هفت شاعر فرانسوی، در قرن شانزدهم میلادی با الهام گرفتن از شعرای لاتین قصد داشتند برای ادبیات فرانسه افتخار بیافرینند. آن‌ها با تقلید از آثار دوران باستان و ساختن کلمات جدید به زبان فرانسه در پی معرفی شعر فرانسه به جای‌گزینی ملی برای اشعار گذشتگان بودند (Viala 2013: 258). نوع شعری این دوره غنایی بود که موضوع اشعار آنان با اشاره به معشوق، گذر زمان و حسرت آن، و زیبایی طبیعت گره خورده بود. از مهم‌ترین این شعرا می‌توان به پیر رونسار (Ronsard Pierre) و ژواشن دوبله (Joachim de Bellay) اشاره کرد. در دوران ادبیات کلاسیک، به‌لطف ملرب (Malherbe) شعر فرانسه دارای چهارچوب شد؛ بدین ترتیب که وی را نخستین نظریه‌پرداز هنر کلاسیک می‌دانند (Rousselot 1996: 42). در دوران کلاسیسیسم، شعر از سوی لافونتین (La Fontaine) به ابزاری برای حکایت افسانه (Fables Les) تبدیل شد و در آن این شاعر به پند و درس اخلاقی روی می‌آورد. مولیر هم در این عصر از نوع شعری در برخی از آثار کمدی خود استفاده کرد و در نظر برخی، اشعار او بهترین نمونه شعری در آثار کمدی است (Moore 1964: 249). ادبیات فرانسه در قرن

هجدهم به‌جز ولتر (Voltaire) نام بزرگ دیگری در عرصه شعر بر خود ندید، اما در قرن نوزدهم با آغاز دوره رمانتیسم شعر از ابزار اصلی ادیبان این مکتب شد. چهره‌هایی چون لامارتین (La Martine)، موسه (Musset)، وینی (Vigny)، نروال (Nerval)، و البته ویکتور هوگو شعرایی بودند که اوج شعر غنایی مکتب رمانتیسم را رقم زدند. شعرای رمانتیسم چندان به نوع شعری و قواعد آن پای‌بندی نداشتند و اصل بیان احساسات را هدف اصلی شعری برگزیده بودند و گاه ایجاد شعر غنایی در ساختار مصرع هجایی (syllabique vers) دیده می‌شود (Vaillant 2008: 53). درمقابل این نوع سرایش شعری و در واکنش به آن، جنبش پاراناس (Parnasse) شکل گرفت. این جنبش، که چهره اصلی آن لوکونت دولیل (Leconte de Lisle) و میراث‌دار اندیشه توفیل دو گوتیه (Théophile de Gautier) بود، خود را طرفدار نظریه «هنر برای هنر» (l'art pour l'art) معرفی کرد و شعرای آن با هدف تأکید بر رعایت ساختار شعری و اولویت هنر بر محتوای شعری به سرودن شعر پرداختند (Rousselot 1996: 82). نیمه دوم قرن نوزدهم با شعرایی هم‌چون بودلر (Baudelaire) که رئالیسم را در شعر وارد و جایگاهی برای شعر به نثر (prose en poème) در ادبیات فرانسه ایجاد کرد ازسویی و ازسوی دیگر شعرای نفرین‌شده (uditsma poètes) مانند ورلن (Verlaine) و رمبو (Rimbaud) کم‌کم راه را برای تحولات شعری پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم آماده کرد و جنبش سمبولیسم را در ادبیات فرانسه تحت‌تأثیر شعرای ذکرشده و چهره‌های دیگری نظیر مالارمه (Mallarmé)، پل والری (Valéry Paul)، و گیوم آپولینر (Apollinaire Guillaume) وارد کرد (Rousselot 1996: 99-101). نیمه اول قرن بیستم پذیرای جنبش ادبی دیگری نیز بود که غوغایی در ادبیات و هنر به‌پا کرد. شعرای سوررئالیسم نظیر آندره بروتون (Breton André)، پل الوار (Éluard Paul)، و لویی آراگون (Aragon Louis) با آزادسازی ناخودآگاه خود به نوشتار خودکار (automatique écriture) روی آوردند، هرچند برای سرودن اشعار متعهد در دوران اشغال فرانسه در بازه جنگ جهانی دوم گاه از این نوع فاصله گرفتند (Paligot-Reynaud 2007: 354). پس از سوررئالیسم، جنبش دیگری در حوزه شعر ادبیات فرانسه دیده نمی‌شود، جز اشعار با شکل آزاد (libre verse) که از قرن نوزدهم ظاهر شده بودند. از مشهورترین شعرای این دوره باید به ژاک پرهور (Jacques Prévert) اشاره کرد که اشعار با موضوعات روزمره‌اش گاه توسط خوانندگانی به‌صورت ترانه اجرا و محبوب شده‌اند. از شعرای معاصر و نیمه دوم قرن بیستم می‌توانیم به چهره‌هایی نظیر کونو (Queneau)، ژاکوته (Jaccottet)، بونفو (Bonneyfoy)، اوکار (Hocquart)، و گوفت (Goffette) اشاره کرد.

در این اشاره گذرا به تاریخچه مکاتب و جنبش‌های شعر فرانسه مشاهده شد که نام چهره‌های سرشناسی در حوزه شعر ادبیات فرانسه به چشم می‌خورد و این خود بیان‌گر اهمیت این نوع آفرینش ادبی در ادبیات فرانسه است. بدین ترتیب، اختصاص دادن کتابی به آشنایی مفصل با شعر فرانسه در برنامه‌های تحصیلی دانشگاهی زبان فرانسه در گرایش ادبیات از لزومات این حوزه جلوه می‌نماید؛ این امر فرصتی برای دانشجویان خواهد بود تا با تمرکز خاص بر این حوزه بتوانند آشنایی بیش‌تری با آن کسب کنند.

۲. بررسی شکل کتاب

کتاب انواع شعر فرانسه در ۲۳۵ صفحه، مشتمل بر پیش‌گفتار، مقدمه، ده فصل، متون اضافی، ضمیمه، واژگان، کتاب‌نامه و نمایه، در قطع وزیری، در انتشارات سمت به چاپ رسیده است. روی جلد این کتاب، به سان کتاب‌های درسی دیگر انتشارات سمت، نشان این انتشارات و عنوان کتاب به فرانسوی با مخفف آن به حروف لاتین SAMT درج شده است. از آنجایی که عنوان این انتشارات به زبان فرانسه هیچ سنخیتی با حروف SAMT ندارد و حتی حروف اول تشکیل‌دهنده نام فارسی آن نیز منطبق بر این حروف نیستند، این انتشارات می‌بایست در معرفی عنوان خود به زبان فرانسوی تجدیدنظر کند. بر روی جلد، علاوه بر عنوان کتاب، نام دو مؤلف کتاب نیز دیده می‌شود و باتوجه به سیاست پیشین یک‌دست‌بودن جلد کتاب‌های منتشرشده این سازمان، طرح خاصی القاکننده ارتباط این اثر با زبان فرانسوی یا نوع ادبی شعر بر روی جلد نقش نبسته است. البته به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر به این امر اهمیت تازه‌ای داده شده است و در آخرین چاپ این کتاب (۱۳۹۳) به این امر توجه ویژه‌ای شده است و روی جلد جذابیت بیش‌تری از چاپ‌های پیش یافته است.

اولین نکته‌ای که نظر خواننده این کتاب را جلب می‌کند عدم مطابقت عنوان فرانسوی کتاب (*Versification Française et Genres Poétiques*) با عنوان فارسی (*انواع شعر فرانسه*) است. از سوی دیگر، در شناس‌نامه کتاب عنوان فارسی به صورت *انواع شعر فرانسه (از آغاز تا شکوفایی شعر نو)* ذکر شده است که اشاره به بخش تاریخی عنوان در عبارت فرانسوی به چشم نمی‌خورد. شاید عنوان فارسی اثر را بتوان «قواعد و انواع شعر فرانسوی» گذاشت تا در خصوص محتوای کتاب گویاتر باشد. در یادداشتی انتقادی^۱ که در گذشته در گروه زبان‌شناسی و زبان‌ها در شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در خصوص این اثر نگاشته شده است، پژوهش‌گر منتقد عنوان

«صناعات شعری و انواع شعر در زبان فرانسه» را پیش‌نهاد کرده است که در این مورد می‌توان گفت عنوان پیش‌نهادشده از جابه‌جایی کلمات عنوان کتاب دیگری به نام *انواع شعر و صناعات شعری در زبان فرانسه*، نوشته ژاله کهنمویی پور و سیدضیاءالدین دهشیری، در سال ۱۳۷۲ به‌دست آمده است که به زبان فارسی منتشر شده است. بدین ترتیب، منتقد با عاریه‌گرفتن این عنوان به‌نوعی عملاً در پی پیش‌نهاد بدیعی برنیامده است. هرچند اگر بر آن باشیم که معادل‌یابی صحیحی از عنوان به‌دست آوریم، می‌توان گزینه «شعرسرای فرانسوی و انواع شعری» را نیز مطرح کنیم.

کتابی که نگارنده این سطور به آن مراجعه کرده است ویرایش دوم کتاب *موردمطالعه* است، اما به این نکته بر روی جلد کتاب اشاره نشده است و تنها، با توجه به تاریخ چاپ درج‌شده در اولین صفحه پس از جلد که سال ۱۳۸۳ و با مراجعه «پیش‌گفتار ویرایش دوم» در صفحه ۹ (IX)، این امر مشخص می‌شود. در این قسمت، به تصحیح برخی اشتباهات و اضافه‌شدن متون اضافی به کتاب اشاره شده است تا کار با این کتاب را برای استادان راحت‌تر کند. مؤلفان بیان کرده‌اند که متون اضافی‌ای که جایی در چاپ اول اثر نیافته بوده‌اند، با قرارگرفتن در ترتیب زمانی اجازه آشنایی با تحول شعری را به خواننده می‌دهند.

۱,۲ مشکل ارجاعات ناهمگن

در مثال‌های ارائه‌شده در این اثر که متعددند، نویسندگان از روش واحدی در ارجاع‌دهی استفاده نکرده‌اند؛ بدین ترتیب که گاه تنها به ذکر نام شاعر اکتفا کرده‌اند و به ذکر نام کتاب مرجع نیازی ندیده‌اند. گاه نام کتاب را ذکر کرده‌اند، اما به نام خود شعر اشاره‌ای نکرده‌اند. این امر خوانندگان علاقه‌مند به مراجعه به ادامه متن اشعار را با سردرگمی مواجه خواهد ساخت و در صورتی که امکان جست‌وجوی اینترنتی و یافتن منبع اصلی فراهم نباشد، عملاً دسترسی به منبع اصلی و خواندن ادامه اشعار غیرممکن می‌نماید. این ناهمگنی حتی در دل یک فصل نیز دیده می‌شود.

- برای مثال، در فصل دو با اشاره به شعر پل ورلن در صفحه ۲۲ و آلفرد دوموسه در صفحه هفده نام آثار آن‌ها در پایان مثال‌ها ذکر می‌شود، در صورتی که در همین فصل پس از ارائه مثال‌هایی از هوگو، لامارتین، الوار، والریه، و... در صفحات ۲۳ و ۲۴ تنها اسم این شعرا ذکر شده است. از سوی دیگر، در فصل چهارم در صفحه ۴۳ به نوعی از ارجاع برمی‌خوریم که به صورت اشتباه استفاده شده است. مؤلفان، پس از ذکر نام

هوگو برای یک مثال، مثال دومی از وی ارائه می‌کنند و ارجاع آن را به شیوه (ibid.: *Les Contemplations*) ذکر می‌کنند. اما باید توجه داشت که اصطلاح لاتین ibid. که در ارجاعات مورداستفاده قرار می‌گیرد، به معنای «در همان محل» است، اما مؤلفان آن را در معنای «همان نویسنده» مورداستفاده قرار داده‌اند؛ چراکه در این ارجاع نام اثر به ایتالیک ذکر شده است و به جای نام نویسنده عبارت ibid. به چشم می‌خورد.

- در همین فصل، در صفحه ۵۳ باز هم نوع دیگری از ارجاع را می‌یابیم: پس از ارائه مثالی از ژان کوال (Jean Queval) با ارجاعی به شکل (oulipo III, 2, p. 259) روبه‌رو می‌شویم که، برخلاف بسیاری از مثال‌های ارائه‌شده با نام اثر، بخش، و صفحه مربوط آشنا می‌شویم. درخصوص همین مثال، مؤلفان در پاورقی در ارجاعی به اثر مورداستفاده خود ذکر می‌کنند که این مثال از کتاب *L'atelier d'Écriture* برداشته شده است، اما در همین پاورقی هم ارجاع به صورت صحیح ذکر نشده است؛ بدین ترتیب که نام نویسنده این اثر و شهر محل انتشار در این نوع ارجاع‌دهی باید ذکر شود که نویسندگان این امر را رعایت نکرده‌اند.

- در صفحه ۵۵ نیز ارجاعی در پاورقی به صورت *Versification par Pierre Guiraud, p. 115* می‌بینیم. در این ارجاع، نام نگارنده اثر پس از کلمه *par* ذکر شده است که به دلیل مستقیم‌بودن ارجاع این نوع استفاده صحیح نیست.

باتوجه‌به موارد ذکرشده و ناهمگن‌بودن انواع ارجاعات، اهمیت اصلاح چنین مواردی در ویرایش بعدی این اثر یا در صورت عدم انجام این امر به صورت ضمیمه کردن غلط‌نامه‌ای در چاپ‌های بعدی بسیار احساس می‌شود؛ چراکه وجود چنین کاستی‌هایی در کتابی درسی که علاوه‌بر دوره کارشناسی برای تدریس در دوره تحصیلات تکمیلی، کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه، نیز پیش‌نهاد شده است برای دانشجویانی که باید این دوره را با نگارش پایان‌نامه‌ای با رعایت قوانین نگارشی و ارجاع به‌تمام برسانند، مثالی نامناسب از رعایت قوانین نگارشی در پژوهش است.

۲،۲ عدم وجود زیرفصل‌های همگن

یکی از مواردی که استفاده از این اثر را با کمی دشواری مواجه می‌کند، نبود زیرفصل‌های همگن است. بدین ترتیب که در برخی از فصل‌ها زیرفصل‌ها بدون شماره‌گذاری، در برخی با حروف بزرگ، برخی با حروف کوچک، و برخی با اعداد مشخص شده‌اند. بدین ترتیب،

در فصول ابتدایی نظم خاصی در ترتیب‌دهی به عنوان‌ها به چشم نمی‌خورد، درحالی‌که از فصل هشت تا ده شماره‌گذاری منظمی مورداستفاده قرار گرفته است.

برای مثال، در ابتدای فصل هفتم این کتاب در صفحه ۸۵ به سه مورد از تصویرهای ادبی موجود در گفتار اشاره می‌شود که مختص به شعر نیستند و با ذکر حروف A, B, C بدون این‌که در عنوان‌ها مجدداً ذکر شوند آورده می‌شوند. از آنجایی‌که این فصل زیرعنوان‌های زیادی دارد، از حروف لاتین کوچک و اعداد برای نشان‌دادن آن‌ها استفاده شده است، اما به دلیل این‌که برای مثال به صورت ۱.a قرار نگرفته‌اند، مخاطب گاه مجبور می‌شود به صفحات قبل رجوع کند تا متوجه شود که اعداد مربوط به کدام حرف کوچک‌اند.

بدین ترتیب، مشاهده می‌شود که درخصوص شکل کتاب جای کار برای اصلاحات عدیده‌ای در ویرایش‌های احتمالی کتاب بسیار وجود دارد. این بازبینی به‌خصوص در زمینه ارجاع‌دهی به آثار نویسندگان مورداستفاده باید حتماً لحاظ شود تا چنین کتاب درسی‌ای که اثر استادان دانشگاه است، بتواند نمونه صحیحی از ارجاعات را به دانشجویان مخاطب اثر ارائه کند. مؤلفان هم چنین باید درخصوص همگن‌سازی و منظم کردن زیرفصل‌ها و عناوین از شیوه واحدی استفاده کنند تا مخاطبان بتوانند بخش‌های مختلف کتاب را به‌خوبی دنبال و از مطالب آن استفاده کنند.

۳. بررسی محتوای کتاب

در این بخش، بررسی محتوای کتاب را در ابتدا به صورت هماهنگ با فصل‌های کتاب پیش می‌بریم. سپس به بیان ملاحظات کلی خواهیم پرداخت که در جای‌جای اثر به آن برخورده‌ایم.

در ابتدای کتاب و قبل از پیش‌گفتار در صفحه ۸ (VIII) اثر دو نقل‌قول مرتبط با شعر ذکر شده‌اند که به صورت کلی به شعر اشاره کرده و اشاره خاصی به ادبیات یا شعر فرانسوی نکرده‌اند. این نقل‌قول‌ها که از نویسندگان نه‌چندان شناخته‌شده‌ای انتخاب شده‌اند، به سختی می‌توانند بیان‌گر طلیعه ورود به دنیای شعر فرانسوی باشند.

در پیش‌گفتار اثر، هدف مؤلفان «ارائه کتابی نسبتاً کامل برای کمک به دانشجویان برای این‌که نیازی به مراجعه به جزوات خارجی که به سختی می‌یابند و یا کاملاً با نیاز، سطح، و فرهنگ آن‌ها سازگاری ندارند نداشته باشند» ذکر شده است و در آن به بیان نوع چهارچوب‌بندی اثر پرداخته شده است. مؤلفان اذعان می‌دارند که این اثر نمی‌تواند وسعت

شعر غنی فرانسه را دربر بگیرد و بدین ترتیب استادان دانشگاهی که این درس را تدریس می‌کنند، می‌توانند باتوجه به طبع و احساس دانشجویان اشعاری را برای مثال ارائه کنند.

۱,۳ مقدمه اثر، آغازی نافرجام

مقدمه اثر لغت «*versification*» را به عنوان قوانین و فرایندهایی معرفی می‌کند که شاعر برای ساختن شعرهای منظم به کار می‌گیرد و اشاره می‌کند که قوانین شعری فرانسه را ملرب (Malherbe) و بوالو (Boileau) تنظیم و شعرای مکاتب کلاسیک و رمانتیک آن‌ها را اعمال کرده‌اند. حدود نیمی از مقدمه (پانزده خط) به نقل قولی در زمینه نقش شاعر اختصاص داده شده است و نویسندگان بیان می‌دارند که مطالعه زبان شگفت‌انگیز و دارای استعاره شاعر و نیز فرایندهای مورد استفاده وی هدف مطالعه این اثر است. در پایان مقدمه، اشاره‌ای به تفاوت شعر فارسی و فرانسه می‌شود و مؤلفان بیان می‌دارند که برخلاف شعر فارسی که برپایه طول هجاها بنا شده است، شعر فرانسه برپایه تعداد و محل هجاهای تکیه‌بر استوار شده است. مقدمه بسیار کوتاه است (یک و نیم صفحه) و نشان‌دهنده غنای شعر فرانسه و اهمیت شناخت آن نیست. بدین ترتیب، در صورتی که فردی آشنایی کاملی با ادبیات فرانسه نداشته باشد و بخواهد با مطالعه مقدمه این اثر خود را برای مطالعه شعر فرانسه آماده کند، با دشواری مواجه خواهد شد و می‌بایست در ابتدا با مراجعه به آثار دیگر شناختی در این زمینه پیدا کند. این امر اثر را کاملاً به کتابی درسی تبدیل کرده است؛ در صورتی که ممکن بود با افزودن مطالبی دیگر به مقدمه آن را برای سایر علاقه‌مندان به شعر فرانسه در ایران، نظیر افرادی که در رشته مترجمی فرانسه تحصیل کرده‌اند یا افرادی که با مطالعات شخصی به این زبان علاقه‌مند شده‌اند، نیز مورد استفاده قرار داد. لزوم این امر شاید در کتاب‌های درسی رشته‌های فنی و علوم دیگر احساس نشود، اما کتاب دارای اطلاعاتی در خصوص ادبیات قطعاً مخاطبان دیگری به جز دانشجویان آن رشته خواهد داشت. باتوجه به حجم مطالب اصلی کتاب، که حدود ۱۹۰ صفحه است، ارائه مقدمه‌ای حداقل بین پنج تا ده صفحه، که در آن از اهمیت شعر فرانسوی و مسائل شعری و چهره‌های تأثیرگذار آن صحبت شود، منطقی‌تر می‌نمود.

۲,۳ فصول اثر

برخلاف آنچه در پیش‌گفتار در خصوص لزوم علاقه‌مند ساختن دانشجویان پیش از هر چیز بیان شده است (امری که می‌توانست در مقدمه‌ای طولانی‌تر با ارائه مثال‌ها یا حداقل نام

شعرا و عنوان اشعار معروف و نمادین آن‌ها انجام شود)، نویسندگان مطالب کتاب را در فصل اول با مبحث نسبتاً خشک هجاشماری (mètre) آغاز می‌کنند. نکته‌ای که در این بخش به چشم می‌خورد عدم شماره‌گذاری برای زیرفصل‌هاست و ازسوی دیگر زیرفصل شمارش هجاهای قانون «e» بی‌صدا (syllabes des compte) به دو بخش ۱ و ۲ تقسیم می‌شود (Shahin and Ghavimi 2000: 5, 6).

فصل دوم اثر به انواع بیت / مصرع (vers) در شعر فرانسه می‌پردازد. طبقه‌بندی ارائه شده بر مبنای تعداد هجاهای هر بیت / مصرع (vers) پیش‌نهاد شده است. این فصل از دو زیرفصل «نام مصرع‌ها» و «تأثیرات ایجاد شده به وسیله طول مصرع‌ها» تشکیل شده است. در زیرفصل اول، نویسندگان از تک‌هجایی تا دوازده‌هجایی به بررسی، ارائه مثال، و اشاره به نوع موضوعی و عصر استفاده از این انواع مصرع پرداخته‌اند. یکی از ایراداتی که می‌توان به این فصل وارد دانست این که عناوین به گونه‌ای یک‌نواخت انتخاب شده‌اند که برای خواننده جذابیتی ایجاد نمی‌کنند (مصرع دوهجایی یا دوهجاییه / dissyllabe ou syllabes xdeu de vers)، سه‌هجایی یا سه‌هجاییه (trisyllabe ou syllabes trois de verse) و تا پایان دوازده‌هجایی به همین ترتیب مورد اشاره قرار گرفته‌اند. این موارد می‌توانستند در قالب جدولی ارائه شوند و به معرفی تک‌تک این نوع مصرع‌ها نیازی نبود؛ چرا که به جز تعداد هجاها ویژگی خاص دیگری مورد بررسی قرار نگرفته است.

زیرفصل «تأثیرات ایجاد شده به وسیله طول مصرع‌ها» که می‌توانست محتوای جذاب و مثال‌های گویایی داشته باشد کم‌تر از یک صفحه مطلب دارد و فقط سه مثال کوتاه دارد و در آن اشاره بسیار گذرایی به این تأثیرات شده است، در صورتی که نویسندگان می‌توانستند پس از بررسی انواع مختلف مصرع‌ها مبحث جالبی را در این خصوص با ارائه مثال‌های بارزتر از شعرای شهیر فرانسوی مطرح کنند و بدین ترتیب اهمیت انتخاب انواع مختلف مصرع را بیش‌تر برای مخاطب مشخص‌تر کنند.

فصل سوم اثر به «گروه‌های مختلف مصرع‌ها» (strophes) می‌پردازد. نویسندگان در ابتدا به تعریف «بند» و سپس انواع مختلف آن یعنی منظم، نامنظم، و مخلوط می‌پردازند. سپس، به اندازه‌های هم‌سان یا مختلف آن‌ها (hétérométrie et étrie Isom) پرداخته می‌شود که در آن ساختار هندسی شعر (افقی و عمودی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، نام بندهای مختلف بر طبق تعداد مصرع‌هایی که دارا هستند ارائه می‌شود. در این قسمت، این نام‌ها معرفی می‌شوند که با حروف لاتین کوچک آورده شده‌اند و یازده مورد را دربر می‌گیرند. فصل بدون نتیجه‌گیری خاصی با مثالی از آخرین مورد بند دوازده‌مصرعی به پایان می‌رسد.

تمرین اول ارائه شده برای این فصل بر مبنای شعری چهار صفحه‌ای از ویکتور هوگو است که تمرین سنگینی به نظر می‌رسد و اشتیاق چندانی در دانشجویان برای انجام آن ایجاد نمی‌کند، اما تمرین دوم به صورت کوتاه‌تر ارائه شده است. شاید بهتر بود نویسندگان ابتدا با ارائه یک مثال بارز از شعر فرانسه استفاده‌های مختلف از این ویژگی شعر فرانسه توسط شعرای فرانسوی و تأثیرات معنایی آن را شرح می‌دادند.

فصل چهارم به قافیه اختصاص دارد و پس از عنوان قافیه‌های مذکر و مؤنث بدون اشاره به طبقه‌بندی خاصی به «الف. تناوب قافیه‌ها» (a. rimes des lternancea) و «ب. عدم تناوب قافیه‌ها» (b. rimes des alternance-onn) پرداخته می‌شود. در میانه این فصل، اشاره‌ای به «حالات خاص» می‌شود، اما مشخص نمی‌شود چرا این عنوان پس از عنوان «خلوص قافیه‌ها» و «تنوع قافیه‌ها» ارائه شده است. به قول نویسندگان درباره تنوع، تقسیم‌بندی ارائه شده فقط برای کنج کاوی درباره استفاده‌های متفاوت از قافیه تا به امروز است و قانون یا مرجع خاصی برای آن معرفی نمی‌شود.

فصل پنجم به طنین‌ها (sésonorit) اختصاص دارد که به منظور ایجاد تأثیری خاص در روی گوش یا ایجاد احساسی خاص در خواننده مورد استفاده قرار می‌گیرد. نویسندگان پس از پرداختن به دو مورد تکرار مصوت (assonance) و تکرار صامت (allitération) به ارزش صامت‌ها و مصوت‌ها در زبان فرانسه می‌پردازند، در صورتی که شاید بهتر بود ابتدا با بررسی صامت‌ها، مصوت‌ها، و تسلط بر ارزش‌های آن‌ها به دو مورد ذکر شده پرداخته می‌شد، بدین ترتیب که مخاطب راحت‌تر می‌توانست در مثال‌های ارائه شده در این موارد که کم‌شمارند ذوق شعری شاعر را ببیند. در واقع، در این فصل نیز مانند بسیاری از فصول مؤلفان بر روی مثال‌های احتمالی اساتید در زمان تدریس این کتاب حساب کرده‌اند و بر ارائه مثال بیش‌تر نیازی ندیده‌اند.

فصل ششم به آهنگ (rythme) مربوط می‌شود که با مبحث آهنگ تکیه‌ها (accents de rythme le) شروع می‌شود. در این بخش دو عنوان ناهمگن ارائه شده‌اند: «محل تکیه‌های ثابت» و «تکیه‌های متحرک» که این مورد به محل، تعداد، و قدرت تقسیم شده است. از سوی دیگر، در قسمت «آهنگ مکث‌ها» با سه مورد *rejet enjambement* و *crejet-ontre* روبه‌رو هستیم که ابتدا در یک عنوان کلی زیر این قسمت هر سه کلمه ذکر شده‌اند و سپس هر کلمه به صورت جداگانه تحت یک عنوان جداگانه مورد بررسی و معرفی قرار گرفته است. از سوی دیگر، پس از توضیح دو مورد دیگر، دوباره به *enjambement* و موقعیت‌های دیگری که دارد بازگشت می‌شود و به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود. شاید بهتر بود عنوان

کلی وجود نمی‌داشت و هرکدام از این سه مورد به صورت جداگانه و با توضیحات کامل زیر عنوان «آهنگ مکث‌ها» بررسی می‌شدند. بدین ترتیب، نوعی آشفتگی و بی‌نظمی را در این فصل شاهدیم که با کمی دقت و مرور بر موارد بیان‌شده از سوی نویسندگان قابل جلوگیری بود.

فصل هفتم به «ذات شعری» (poésie la de l'essence) اختصاص یافته است که به بلاغت شعری و استفاده‌های زبانی مانند استعاره‌های مختلف در زبان فرانسه می‌پردازد. مخاطب با مواجهه با این فصل تصور می‌کند که پرداختن به شکل و فرم شعر در کتاب پایان یافته است و وارد مباحث محتوایی می‌شویم، در صورتی که با دیدن فصل بعد با عنوان «اشعار با شکل ثابت» (Ifixe forme à poèmes es) مشخص می‌شود که این امر صحیح نیست و هم‌چنان در بخش شکل شعریم. بدین ترتیب، می‌توان وجهت جایگاه این فصل را به چالش کشید. این مورد یکی از ایرادهای اساسی قابل‌وارد بر اثر است که روانی خوانش فصل‌های کتاب را با مشکل مواجه می‌کند.

فصل هشتم به «اشعار با شکل ثابت» (Ifixe forme à poèmes es) می‌پردازد و در آن برخلاف فصول قبل به وسیله شماره‌بندی توضیحات کم‌وبیش کاملی مربوط به هر نوع شعری (از نظر ظاهری) را با مثال‌های عمدتاً طولانی شاهدیم. در توضیحات مربوط به هر نوع، به قافیه‌بندی، تعداد سیلاب، تعداد بندهای شعری، و نیز شعرایی اشاره می‌شود که به این شکل شعری آثاری محدود دارند.

فصل نهم به «انواع شعری» (genres poétiques) می‌پردازد که مؤلفان آن را به دو گروه «انواع اصلی» و «انواع جانبی» تقسیم می‌کنند. با رجوع به دیومد (Diomède) سه نوع شعری غنایی، حماسی، و نمایشی سه نوع اصلی شعر فرانسه معرفی می‌شوند. ابتدا، نوع شعر غنایی و زیرشاخه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرند. در زیر شاخه قصیده (ode) مؤلفان به ذکر توضیحاتی مربوط به «شعرای غنایی فرانسه» می‌پردازند و پس از آن مورد دوم شعر غنایی یعنی سرود (hymne) می‌پردازند، در صورتی که عنوان «شعرای غنایی فرانسه» می‌بایست پیش از آغاز تقسیم‌بندی و معرفی انواع شعر غنایی می‌آمد. در بخش حماسی (épopée) مؤلفان حجم بسیار زیادتری را در مقایسه با انواع دیگر به توضیح و تاریخچه این مورد پرداخته‌اند و انواع مختلف این شعر را بدون عنوان مجزا برخلاف دو نوع شعری اصلی دیگر بررسی کرده‌اند. نوع اصلی سوم که نوع نمایشی است، حجم بسیار کم‌تری را به خود اختصاص داده است. در این بخش، تقسیم‌بندی بدون ذکر تراژدی و کمدی در تقسیم‌بندی به درام جدی، رمانتیک، و مخلوط انواع پرداخته است. از سوی دیگر، اپرا یک

درام تراژیک یا کمدی معرفی شده است و پس از توضیحی اندک در این مورد به هیچ شاعر یا اثری از ادبیات فرانسه در این نوع شعری اشاره‌ای نمی‌شود. در صورتی که چنانچه از شعر فرانسه سخن به میان می‌آید و هدف از ذکر انواع شعری معرفی استفاده از آنان در شعر فرانسه بود، می‌توانستند به مثال‌هایی از آن اشاره کنند و مخاطب را با آثار شعرای نام‌داری آشنا کنند که از این نوع شعری استفاده کرده‌اند.

فصل دهم به «اشعار با مصرع آزاد» (*libre vers en poèmes*) اختصاص دارد و در آن مواردی نظیر نثر شعری (*poétique prose*)، سطح جمله، سطح هجا، و سطح صدا اشاره است که مورد انتقادی خاصی در آن به چشم نمی‌خورد.

۳,۳ مسئله تمرکز محتوا و هدف مؤلفان

نوع پردازش به موارد معرفی شده در حدود دوسوم این اثر آن را به‌نوعی به اثری برای شناخت ساختار شعری فرانسه تبدیل کرده است. بدین ترتیب که تأکید بسیار بر ساختار شعری، قواعد حاکم بر آن، قافیه‌ها، هجاها، و دیگر موارد به‌گونه‌ای است که بیش‌تر دانشجویان را با الفبای شعر آشنا می‌سازد تا این‌که بخواهد وی را به دنیای شگفت شعر فرانسوی وارد کند. این مهم را نویسندگان می‌توانستند با مثال‌هایی بیش‌تر و بررسی ساختار و استفاده استعاره‌ها در چند مثال کامل از آثار شعرای فرانسوی به فهم شعر و ارزش ادبی آن‌ها اشاره کنند. اشاره به جزء جزء هریک از این قواعد در یک فصل و اختصاص فقط دو فصل به انواع شعر فرانسه این اثر را به کتابی برای دانشجویان تبدیل می‌کند که برای آماده‌سازی خود با هدف گذراندن آزمون این درس مجبورند که صرفاً به حفظ کردن این قواعد بپردازند. علاوه‌براین، تمرینات پایان هر فصل نیز بر این جنبه اثر تأکید می‌کنند و درسی که می‌تواند با ارائه متون و آثار شعرای بزرگ فرانسوی شوق و بارقه ادبی را در دل مخاطبان روشن کند، عملاً به درسی یک‌نواخت تبدیل می‌شود که به بیان قوانین می‌پردازد. این نکته که مؤلفان به اساتید توصیه می‌کنند به‌صورت شخصی به ارائه متون بپردازند، چندان عملی نیست، چراکه با توجه به حجم کتاب، اجباری بودن مطالعه آن برای گذراندن آزمون کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه و تعداد اغلب بالای دانشجویان در کلاس‌ها، اساتید به دشواری زمان آن را خواهند داشت تا علاوه بر تدریس کامل مطالب کتاب به خواندن اشعاری خارج از مطالب کتاب در کلاس نیز بپردازند. از طرف دیگر، بیان این مطلب که این کتاب منبع درسی برای مطالعه شعر فرانسه در قرن

نوزدهم و قرن بیستم است، با محتوای کتاب سازگار نیست. بدین ترتیب که تنها در دو یا سه فصل از این کتاب به شعر فرانسه در این قرون پرداخته می‌شود. هرچند شناخت قواعد شعری برای درک زیبایی‌ها و ظرافت‌های استفاده‌شده توسط شعرا بسیار لازم و ضروری است، متناسب نبودن حجم این موارد و همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد ارجاع‌دهی ناقص به آثاری که قسمت‌هایی از آن‌ها نقل شده‌اند، عملاً فرصت را از مخاطب برای آشنایی با این آثار سلب می‌کند.

۴.۳ مراجع استفاده‌شده

نویسندگان از مراجع متعددی برای نگارش این اثر استفاده کرده‌اند. این آثار را انتشارات دانشگاهی و انتشارات مطرح فرانسوی چاپ کرده‌اند، اما با بررسی مراجع درمی‌یابیم که نگارندگان این اثر مستقیماً به آثار شعرای فرانسوی رجوع نکرده‌اند و بدین ترتیب مثال‌های ارائه‌شده در این کتاب از منابع دست‌دوم برگرفته شده که اکثراً کتاب‌های تاریخ ادبیات فرانسه است یا مجموعه‌اشعار چندین شاعر است که به‌صورت گزیده در یک اثر جمع‌آوری شده است. چنین شیوه استفاده از مراجع می‌تواند دست‌اول بودن نوع نگارش این اثر را کمی به‌چالش بکشد. از سوی دیگر، با توجه به این که مؤلفان در ایران دست به نگارش این کتاب زده‌اند و دست‌رسی چندانی به منابع مختلف در حیطه این موضوع خصوصاً کتاب آثار شعرای مختلف نداشته‌اند، به نظر می‌رسد این آثار تنها بضاعت منبع علمی آن‌ها بوده است، اما شایسته است تألیف چنین کتب درسی که برای چندین سال مواد آموزشی اصلی رشته‌های دانشگاهی اند، در قالب قراردادی با مؤلفان دانشگاهی انجام شود و از سوی وزارت علوم و انتشارات سمت حمایت مالی برای تهیه کتب مرجع به‌روز و لازم انجام گیرد و حتی هزینه سفرهای پژوهشی برای منبع‌شناسی و تهیه آن‌ها تقبل شود. چنین هزینه‌هایی قطعاً با خلق آثار جامع و به‌روز در راستای مسائل روز علم و فرهنگ در محافل دانشگاهی دنیا به افزایش کارایی تدریس استادان و یادگیری دانشجویان می‌انجامد و به بهترین نحو جبران می‌شود.

۴. نقد رویکرد محتوایی

در مجموع، درخصوص محتوای این اثر می‌توان گفت که مؤلفان این کتاب با اتخاذ رویکردی بوطیقایی به شعر در تلاش برای انتقال فنون شعری به مخاطب در چهارچوب

تئوری‌های شعری بوده‌اند. چنین رویکردی می‌تواند ازسویی درخصوص لزوم شناخت چهارچوب شعر فرانسه مورد دفاع باشد، اما تأکید بیش از اندازه بر این چهارچوب‌ها این اثر را به نوعی رساله شعرشناسی تبدیل کرده است. حال آن‌که درخصوص شعر فرانسه شاید بتوان با اتخاذ رویکردی زیبایی‌شناسانه به شعر پرداخت. همان‌طور که رنه لایونته از قول «برخی شاعران» می‌گوید: «شعر تدریس نمی‌شود، شعر شنیده می‌شود، خوانده می‌شود، حس می‌شود، وارد رؤیا می‌شود، زندگی می‌شود، شعر خودش را در اختیار می‌گذارد که کشف شود» (Labonté 1980: 685). ازسوی دیگر، برژرون و ریانت معتقدند که تدریس شعر باید با خواندن متون نظم آغاز شود و با مخاطب در این راه باید همراه شد. آن‌ها معتقدند بهترین نوع شعری که می‌توان آن را برای درک زیبایی‌های عالم شعر ارائه کرد آن‌هایی هستند که با تصاویر، صداها، و احساس‌ها مخاطب را شگفت‌زده می‌کنند و بنابراین در انتخاب این متون باید تأمل کرد (Riente and Bergeron 2007: 50). در راستای چنین نگاهی بوده است که در هنر منظوم (*Poétique Art*) اثر نیکولا بوآلو (Boileau Nicolas)، نظریه پرداز شعر در قرن هفدهم میلادی، یا بخشی به همین نام در اثر در گذشته و پیش‌تر (*Naguère et Jadis*) از پل ورلن در قرن نوزدهم می‌بینیم که شاعر چهارچوب و قواعد شعری را به زیبایی در قالب شعر به مخاطب معرفی می‌کند، اما همان‌طور که اشاره شد، چنین نگاه زیبایی‌شناسانه‌ای در عمل در این کتاب نیست و مخاطب با انبوهی از اصطلاحات شعری روبه‌رو است که در بیداری ذوق و علاقه به شعر موفق نیستند. شاید استدلال شود که دانشجویان در کلاس‌های ادبیات قرون مختلف با شعرا و آثار آن‌ها آشنا شده‌اند، اما اگر چنین دلیلی را قبول کنیم، درخصوص درس تئاتر در فرانسه و کتاب تئاتر در فرانسه هم می‌توان چنین استدلالی را ارائه کرد. در صورتی که برخی ادیبان فرانسوی در وجوه مختلفی از ادبیات به خلق اثر پرداخته‌اند و در عمل، آشنایی با تمام انواع آثار آن‌ها در ساعات اختصاص داده شده درسی تاریخ ادبیات دشوار است. ازسوی دیگر، زمانی که مثلاً از آثار کورنی (Corneille) یا راسین (Racine) صحبت می‌شود، اغلب تمرکز بر درون‌مایه آثار و شخصیت‌های تراژدی این ادیبان و روان‌شناسی آثار آن‌هاست و زیبایی‌شناسی شعر این دو ادیب و دیگر چهره‌های مطرح ادبیات فرانسه در برنامه‌های درسی چندان جایی ندارد. ازطرفی زمان کافی برای پرداختن به این موارد نیز وجود ندارد. حال آن‌که اختصاص درس و کتابی به انواع شعر در فرانسه می‌توانست فرصت بسیار مطلوبی برای بررسی دقیق‌تر و ویژه‌تر آثار منظوم ادبیات فرانسه باشد، امری که با عدم ارائه متون کافی متأسفانه در این کتاب محقق نشده است. ازسوی دیگر، نویسندگان این کتاب می‌توانستند پیش از پرداختن

به فنون شعر در فصلی مقدماتی نظریاتی درخصوص شعر، رابطه آن با زبان، و تحول نگاه به شعر در ادبیات فرانسه را معرفی و بررسی کنند تا سیر تحول نگاه به شعر در ادبیات برای مخاطب مشخص شود و ذهنش برای دریافت مطالب درخصوص انواع شعری آماده شود که در طی این تحولات به وجود آمده‌اند.

مورد دیگری که درخصوص آن می‌توان بر نویسندگان خرده گرفت، ریشه در عنوان کتاب دارد. با سخن از انواع شعر فرانسه مؤلفان مخاطب را تشنه ورود به دنیای شعر فرانسه می‌کنند، اما با آغاز فصول کتاب، وی را تا چندین فصل برای شناخت انواع شعر منتظر می‌گذارند. این معضل شاید به دلیل دوجهی بودن معنی کلمه «نوع» به وجود می‌آید. درواقع، مخاطبی که خود را برای آشنایی با قصاید، غزلیات، هجویات، و تراژدی، کمدی، و افسانه‌های فرانسوی در قالب شعری آماده می‌کند، خود را برابر جزوه‌ای با رویکرد شعرشناسی فرانسه از نظر ساختاری می‌یابد. البته، عنوان فرانسوی کتاب جای شبهه را از میان می‌برد، اما این نکته که نام فارسی این کتاب با نام واحد دانشگاهی در رشته زبان و ادبیات فرانسه پیوند خورده است، اهمیت این مسئله را آشکار می‌سازد که محتوای کتاب هم‌خوانی چندانی با انتظارات مخاطبان ندارد. نویسندگان می‌توانستند با اختصاص دادن فصل‌هایی به «انواع» شعر نظیر sonnet, ballade, ode و... نسبت به ارائه توضیحات درخصوص این انواع بپردازند و با ارائه مثال‌هایی از مکاتب ادبی و شعرای به نام فرانسوی به مخاطب اطلاعاتی در زمینه این بخش غنی ادبیات بدهند. البته، در یکی از فصل‌های کتاب به صورت گذرا به انواع مختلف شعر اشاره شده است، اما اگر قرار است چنین کتابی در رشته ادبیات فرانسه در سطح دانشگاهی تدریس شود، شایسته است حجم بیشتری به مطالعه این بخش اختصاص یابد.

ازسوی دیگر، عدم سخن از شعرای نیمه دوم قرن بیستم را، آن هم درحالی که این اثر در سال ۲۰۰۰ میلادی منتشر شده است، شاید بتوان نوعی کم‌لطفی نویسنده‌گان ارزیابی کرد؛ چراکه مسلماً آن‌ها با آثار این شعرا آشنایی و به آن‌ها دسترسی داشته‌اند و می‌توانستند با صرف اندکی وقت بیش‌تر کتابی با مطالب به‌روزتر در اختیار مخاطبان قرار دهند. این امر درخصوص کتاب‌های دانشگاهی در ایران بیش از پیش نمود دارد؛ چراکه برخی از این کتاب‌ها سالیان دراز در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند، بدون این‌که موردبازبینی و ویرایش در جهت افزودن مطالب جدید یا برطبق رویکردهای آموزشی جدید قرار گیرند. چنین کاستی‌هایی اساتید را مجبور می‌کند که به جای تدریس این کتاب به کتاب‌های انتشارات فرانسوی مراجعه کنند که در این زمینه متعددند.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب *Versification Française et Genres Poétiques* (انواع شعر فرانسه)، نوشته شهناز شاهین و مهوش قویمی، اثری است که به‌عنوان منبع درس شعر فرانسه برای دوره کارشناسی و آزمون ورودی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه معرفی شده است. این اثر، علی‌رغم برخی جنبه‌های مثبت، ضعف‌های شکلی و محتوایی دارد. عمده‌ترین مسئله شکلی این اثر در ترتیب‌بندی و ناهمگن بودن مطالب در فصول مختلف و ازسوی دیگر در نوع نظام ارجاع‌دهی آن مشاهده می‌شود. این موارد دانشجویان را، که به یک کتاب درسی با مطالب واضح و مشخص نیاز دارند، با نوعی سردرگمی مواجه می‌کند. از نظر محتوایی، این اثر می‌توانست مطالب بیش‌تری برای آشنایی با غنای آثار شعرای فرانسوی در اختیار مخاطب بگذارد، درحالی‌که تأکید بسیار بر شکل شعر فرانسوی، نحوه ارائه تمرین‌ها، کم‌حجم بودن محتوای مربوط به شعرا و اشعار فرانسوی این کتاب را صرفاً به اثری برای آشنایی با ساختار شعر فرانسه تبدیل کرده است. بدین ترتیب، رویکرد بوطیقایی نویسندگان به شعر فرانسه از موارد پرچالش این اثر است که علاقه مخاطبان به دنیای شعر فرانسه را بیدار نمی‌کند. بدین ترتیب، این کتاب که از ویرایش دوم آن پانزده سال می‌گذرد، می‌تواند جای خود را به ویرایشی جدید دهد که این کاستی‌ها را رفع کند و با بهره‌گیری از منابع به‌روزتر و هم‌چنین معرفی شعرای نیمه دوم قرن بیستم و ابتدای قرن بیست‌ویکم معرف دنیای شعر فرانسوی و پویایی آن باشد.

پی‌نوشت

۱. نقد کتاب انواع شعر فرانسه در: <<http://www.shmoton.ir.html3457>>.

کتاب‌نامه

- Bergeron, Réal. and Raphaël Riente (2007), "Enseigner la poésie", *Québec français*, no. 147.
- Boileau, Nicolas (1872), *Art Poétique*, Paris: Imprimerie Générale.
- Labonté, René (1980), "Méthodes d'Initiation à la Poésie pour Jeunes Adultes", *The French Review*, vol. 53, no. 5.
- Moore, Will Grayburn (1964), "Poésie de Molière", in: *Cahiers de l'Association Internationale des Études Françaises*, no. 16.
- Peureux, Guillaume (2013), "Malherbe et le Commentaire de Poésie au XVII^e Siècle. Commenter et Réécrire", *Dix-septième Siècle*, vol. 260, no. 3.

- Reynaud-Paligot, Carole (2007), "La Poésie Surréaliste entre Révolte et Révolution", *Revue Française d'Histoire des Idées Politiques*, vol. 26, no. 2.
- Rousselot, Jean (1996), *Histoire de la Poésie Française*, Paris: Presses Universitaires de France.
- Shahin, Shahnaz and Mahvash Ghavimi (2000), *Versification française et Genres Poétiques*, Téhéran: SAMT.
- Vaillant, Alain (2008), "Le Lyrisme du Vers Syllabique: de Lamartine à Mallarmé", *Romantisme*, vol. 140, no. 2.
- Verlaine, Paul (1884), *Jadis et Naguère*, Paris: Léon vanier.
- Viala, Alain (2014), *Le Moyen Âge et la Renaissance*, Paris: Presses Universitaires de France.